



ناسازنمای امنیت غذایی - آبی در ایران

امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه و از بنیادی‌ترین حقوق بشری است که در گفتمان ملی کشورها به تأمین، تضمین، آسودگی و آسایش خاطر، نظر دارد. امنیت از نظر ملی، بین‌المللی و فردی دارای شقوق بسیاری است. عناصر اصلی که تقریباً در تمام شقوق امنیت قابل توجه است، ارزش‌ها، خطرات و تهدیدات است؛ عناصری که امروزه در حوزه تأمین نیازهای غذایی و تقاضاهای آبی بشر به روشنی قابل مشاهده است. در حوزه امنیت ملی و عمومی و خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه و واقع در کمربند خشک دنیا، شاید بتوان امنیت غذایی و امنیت آبی را جزو مهمترین گونه امنیت به حساب آورد. دو گونه مهم امنیتی که از سال‌های دور و از اوایل دهه ۸۰ میلادی مورد توجه و تأکید اکثر سازمان‌های مهم بین‌المللی فعال در حوزه آب و غذا بوده است. مفاهیم امنیت غذایی و امنیت آبی به مانند بسیاری مفاهیم دیگر در حوزه تولید و تأمین غذا و مدیریت آب، دیرپا به حساب نمی‌آیند و در دهه‌های اخیر مورد توجه سازمان و نهادهای بین‌المللی زیادی از جمله: سازمان ملل، سازمان خواروبار جهانی (FAO)، سازمان مشارکت جهانی آب (GWP)، انجمن اقتصاد جهانی (WEF)، انجمن آبی آسیا-اقیانوسیه (APWF)، آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID)، موسسه بین‌المللی مدیریت آب (IWMI)، موسسه بین‌المللی تحقیقات سیاست‌گذاری غذا (IFPRI) و ... قرار گرفته است.

امنیت غذایی عبارت است از توانمندی یک کشور در تأمین مواد غذایی سالم و کافی برای جامعه، به گونه‌ای که همه افراد جامعه بتوانند به راحتی به غذا دسترسی داشته باشند. امنیت غذایی بنا بر تعریف سازمان ملل عبارت است از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای داشتن یک جسم سالم که سه عنصر مهم آن، «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذا» و «ثبات در دریافت غذا» است. دستیابی به امنیت غذایی با تلاش برای خودکفایی غذایی از طریق تولید و تأمین مواد غذایی از منابع داخلی و واردات محصولات کشاورزی، بدون تمرکز بر مکان یا محل و نوع تولید و تأمین مستمر با رعایت عدالت در توزیع و فراهم‌آوری تغذیه سالم، میسر می‌باشد. امنیت آبی، پلی است که شبکه تأمین غذا، انرژی، رشد اقتصادی و اجتماعی، چالش‌های زیست‌محیطی و چالش‌های امنیت انسانی را که در حال حاضر و در دهه آتی، جهان با آن رو به رو است، به هم مرتبط می‌سازد. امنیت آبی زمانی محقق می‌شود که

نیازهای اساسی انسان، تأمین غذای مورد نیاز، حفاظت از اکوسیستم، تخصیص منابع آب‌های مشترک، مدیریت مخاطرات، ارزش‌گذاری منابع آب و مدیریت عقلایی و هوشمندانه منابع آب را، در بر گرفته باشد. در تعریف دیگر، امنیت آبی زمانی محقق می‌شود که دسترسی به آب به لحاظ بهداشتی، معیشتی، اکوسیستمی و تولید محصولات کشاورزی با کمیت و کیفیت مطلوب، مهیا باشد و اثر مخاطرات و تهدیدات آبی در ارتباط با مردم، محیط‌زیست و اقتصاد نیز مدیریت شود. سازمان ملل هم امنیت آبی را به معنای ظرفیت‌های جامعه در دسترسی پایدار به مقدار آب مورد نیاز و کافی با سطح کیفیت مطلوب برای تداوم امر معاش، رفاه و توسعه اقتصادی-اجتماعی با حصول اطمینان از توانایی مقابله با مخاطرات آبی و نیز حفاظت از زیست‌بوم‌ها در شرایطی که صلح و ثبات سیاسی برقرار باشد، تعریف کرده است، مفاهیم مذکور از جهاتی بسیار، با مفهوم توسعه پایدار در هم آمیخته و لذا توسعه پایدار مستلزم تحقق امنیت آبی است، زیرا که در این شرایط، به صورت مستمر و پایدار، نباید آسیبی به محیط‌زیست و منابع غیرقابل تجدید آب وارد شود و نباید تغذیه سالم و امرار معاش دچار تهدید شود و نهایتاً جامعه باید از آسیب تهدیدات و مخاطرات فقدان امنیت آبی مصون بماند.

از زمانی که به یکباره و تنها در طول مدت دو سده، جمعیت دنیا رو به ازدیاد گذاشت و افزایش حدود ۵ میلیارد نفری را تجربه کرد و از اوایل دهه ۷۰ میلادی که برخی کشورهای دنیا خودکفایی در تأمین غذا را از دست داده و با خطرات و تهدیدات جدی در حوزه امنیت داخلی مواجه شدند، امنیت غذایی جزو موضوعات روز دنیا و از اصلی‌ترین دغدغه‌های کارشناسان، محققان و دولتمردان قرار گرفت. همزمان با افزایش نیاز به تأمین مواد غذایی طی کمتر از یک سده، مساحت اراضی تحت آبیاری جهان از ۴۸ میلیون هکتار در سال ۱۹۰۰ به ۹۴ میلیون هکتار در سال ۱۹۵۰ و به حدود ۲۷۰ میلیون هکتار در سال ۲۰۰۳ رسید. این توسعه افسارگسیخته‌ی ضروری، عملاً حدود ۴۰ درصد غذای مردم جهان را تأمین کرد. این در حالیست که تأمین غذا از اراضی تحت آبیاری در کشورهایی مثل ایران و پاکستان به بالای ۹۰ درصد رسیده و موجب شده تا ایران بالاترین سرانه سطح زیرکشت آبی در بین کشورهایی با بیشترین مالکین اراضی تحت کشت آبی، را دارا باشد.

وابستگی به تأمین غذا از اراضی تحت آبیاری، ارتقای سطح رفاه اجتماعی و به تبع آن افزایش مصرف آب در بخش‌های صنعتی، خدماتی و بهداشتی، تغییر اقلیم، نیاز به تخصیص حق‌آبه زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی مجموعاً تقاضا برای برداشت منابع آبی را افزایش داده است؛ به نحوی که برداشت آب از منابع آبی جهان از ۵۰۰ کیلومترمکعب در سال ۱۹۰۰ به حدود ۴۰۰۰ مترمکعب در سال ۲۰۰۰ میلادی رسیده و مصرف آب دنیا در یک سده اخیر ۶ برابر یعنی دو برابر رشد جمعیت دنیا، رشد داشته و بخش کشاورزی نیز ۷۰ درصد برداشت از منابع آب شیرین را به خود اختصاص داده

است. در ایران نیز مصرف آب در بخش کشاورزی در یک سده اخیر بطور چشمگیری رشد یافته به نحوی که در طول ۴۰ سال (۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ شمسی) دو برابر ارتقا یافته و حدود ۸۸ میلیارد مترمکعب از ۹۶ میلیارد مترمکعب آب برداشت شده از منابع آب به بخش کشاورزی تخصیص یافته است.

مضمون اصلی نوشتار فوق، تصویر ناسازگاری یا همان پارادکس امنیت غذایی-آبی در ایران می باشد. اگر حکومت، سیاست‌ها، تصمیم‌ها، راهبردها و اهداف خود در افق چشم انداز کشور و برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی را به سمت حفظ ارزش‌ها، کاهش خطرات و تهدیدات در حوزه تأمین غذا و تغذیه سالم بدون توجه به امنیت پایدار آب سوق دهد، خطرات و تهدیداتی بس بزرگتر و فراتر در حوزه تأمین آب و حفاظت محیط زیست و طبیعت، گریبان‌گیر کشور خواهد شد که تا کنون هم بخشی از این خطرات و تهدیدات بروز کرده و به امنیت غذایی-آبی پایدار کشور خدشه وارد شده است. لازم به ذکر است که تخریب محیط زیست از دو جنبه با توسعه خطرات و تهدیدات در حوزه امنیت غذایی در ارتباط است؛ از یک سو با محدود شدن سید تولید محصولات غذایی، تأمین مواد غذایی و تغذیه سالم با چالش مواجه شده و از سوی دیگر، مشکلاتی مانند کاهش کیفیت منابع آب، شور شدن اراضی و افت کیفیت آن، فرسایش خاک، انتشار گازهای گلخانه‌ای و از بین رفتن تنوع زیست‌محیطی را به همراه دارد. ضرورت «حفاظت محیط زیست و طبیعت با تأکید بر حفظ کمیّت و کیفیت منابع آب یا همان امنیت غذایی-آبی» به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار کشور بوده اما ناسازگاری مورد تأکید به راحتی امکان دستیابی به سطح بالای امنیت ملی و پایداری در توسعه را میسر نخواهد ساخت مگر اینکه برای تبیین چالش‌ها و اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات درست، معقول و منطقی، تغییرات اساسی و بنیادین صورت گیرد. هرچند که زمان بسیار دیر است و ناپایداری در حوزه آبی و رسیدن به امنیت آبی تقریباً غیرقابل تصور است، اما جلوگیری از تشدید خطرات و تهدیدات نیازمند تسریع در تغییر رویکردهاست.

یکی از عمده‌ترین و اصلی‌ترین سیاست‌ها و راهبردهای اتخاذ شده در چهل ساله گذشته و در دوران پس از انقلاب اسلامی، توجه به معیشت مردم و تدوین سیاست امنیت غذایی بوده، به نحوی که به کرات در برنامه‌های توسعه اول تا ششم بدان پرداخته شده است.

اما توجه سطحی به موضوع امنیت غذایی از یک سو و از سوی دیگر ارایه تعاریف دم‌دستی و مبتنی بر تولید صرف، همچنین، عدم توجه به امنیت آبی و ناسازگاری موجود بین تولید غذا و تخریب محیط‌زیست و تشدید کم‌آبی، و نیز ارایه راهکارها و سیاست‌های اجرایی نادرست که بخش عمده آن را می‌توان در تعدد سازمانهای تصمیم‌گیر، تعدد سازمان‌های مجری، تناقض قوانین و دستورالعمل‌ها، عدم بازنگری مواد و مفاد سند ملی آب برای بیش از پنج دهه مشاهده نمود. به علاوه در چهار دهه اخیر، ایران نیز همگام با دیگر کشورها، پروژه‌های توسعه‌ای سازه‌محور آبی از طریق مداخلات طبیعی و زیست‌محیطی در منابع آب سطحی و توسعه کشاورزی فاریاب و به تبع آن اضافه برداشت از آب‌های زیرزمینی با هدف خودکفایی کشاورزی و به منظور جلوگیری از فقر ناشی از کمبود غذا و تورم قیمت مواد غذایی و افزایش اشتغال بخش کشاورزی به مرحله اجرا درآمده که نتیجه آن تشدید ناسازگاری امنیت غذایی-آبی و تشدید مخاطرات و تهدیدات محیط‌زیستی بوده است.

برای دستیابی به اهداف امنیت پایدار غذایی-آبی و در نتیجه امنیت پایدار ملی، می‌توان بر گفتگو و اجماع نخبگانی تکیه کرد. باید سیاست‌ها و تصمیمات درست و نادرست گذشته در حوزه کشاورزی، مدیریت منابع آب، حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی، قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط با وجود و کارکرد سازمان‌های اجرایی کشور از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، سازمان محیط زیست، شورای عالی آب، مورد مذاقه و ارزیابی جدی قرار گیرد. باید مکانیزم‌های حکمرانی آب، کشاورزی، حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، سیاست داخلی و خارجی (در جهت حل تعارضات محلی تولید محصولات غذایی، تعارضات اجتماعی، تبیین سیاست‌های کلان صادرات و واردات مواد غذایی، مبادله آب مجازی بین مرزهای داخلی و خارجی، مدیریت منازعات منابع آب محلی و مرزی، مدیریت اثرات سوء تغییر اقلیمی) و برنامه‌های توسعه اقتصادی (در جهت توانمندسازی جوامع بومی و احیای دانش بومی، توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، بخش آب و آبیاری، توسعه آموزش مرتبط با مدیریت سبب غذایی و تغییر ذائقه غذایی، حمل و نقل، انبارداری، توسعه بخش روستایی، شیلات، ماهیگیری و تولید آبزیان و همچنین تولیدات و بهداشت دام و دامپروری، توسعه اشتغال مبتنی بر کاهش برداشت و مصرف آب)، بازبینی و بازنگری اساسی شود.



امنیت زیستی، امنیت غذایی اولویت با کدام است؟

از نیمه دوم قرن بیستم امنیت غذایی یکی از موضوعاتی بوده که در ذیل توسعه اقتصادی کشورها مطرح شده است. طی این مدت تعاریف زیادی از امنیت غذایی ارائه شده است. ساده‌ترین تعریف که حتی تا اواخر قرن بیستم مورد پذیرش بوده، عبارت است از امکان تأمین حداقل پروتئین و کالری مورد نیاز هر فرد در یک شبانه‌روز؛ ولی عملاً از قرن ۲۱ به بعد این تعریف مبنای تحلیل در مورد امنیت غذای نمی‌باشد و تأمین نیازهای اساسی افراد بر اساس درآمدهای باثباتی که به شیوه سالم و درست حاصل می‌شود، ملاک میزان تحقق امنیت غذا در هر کشور است. ولی قطعاً آنچه که رکن امنیت غذایی است، تأمین نیازهای اساسی انسان‌های ساکن در این کره خاکی است که به طور کلی در برگیرنده تولیدات حاصل از فعالیت‌های کشاورزی است. علیرغم رشد روز افزون جمعیت در قرن بیستم، با استفاده از اشکال مختلف پیشرفت‌های حوزه تکنولوژی از تولید بذر گرفته تا استفاده سموم دفع آفات، کودهای شیمیایی، بکارگیری روز افزون مکانیزاسیون، امکان تغییر ژنتیکی در گیاهان، تولید محصولات تراریخته و ده‌ها مصداق دیگر از پیشرفت‌های تکنولوژیکی و البته فشار بسیار شدید بر منابع پایه، تولید محصولات کشاورزی نیز رشد روزافزونی داشته است. اگرچه اخیراً این رشد کند شده و برخی برآوردها هم حکایت از روند نزولی رشد تولید محصولات کشاورزی در سال‌های آینده دارد. بدون شک این رشد روزافزون دستاورد بزرگی برای جامعه بشری بوده است. البته بخش زیادی از این رشد در کشورهای محقق شده که همزمان از مواهب طبیعی و پیشرفت تکنولوژی برخوردار بوده‌اند و به نوعی منافع آن به اشکال مختلف به تمام کشورهای جهان سرازیر شده است. به همین دلیل در چند دهه گذشته درصد سوء تغذیه جمعیت جهان کاهش محسوس یافته، همچنان که درصد فقر مطلق جوامع بشری به دلیل رشد اقتصادی جهان کاهش داشته است. هرچند به دلیل افزایش نابرابری، فقر نسبی افزایش یافته است. بنابراین اگرچه امنیت غذایی جوامع بشری موضوع بسیار مهمی می‌باشد، ولی مانع اساسی برای دستیابی به آن وجود نداشته است. آنچه که از ظرفیت زیادی برای ایجاد بحران در جوامع بشری برخوردار می‌باشد، از دست رفتن امنیت زیستی است. اگرچه به طور خاص امنیت زیستی به مفهوم حفظ گونه‌های جانوری و گیاهی است، ولی با کمی اغماض و با نگاهی عام، می‌توان گفت امنیت زیستی حفظ اکوسیستم طبیعی است. از اوایل قرن نوزدهم امنیت زیستی جوامع بشری در معرض تهدید قرار گرفته و اگرچه در ابتدا این تهدید خیلی محسوس نبوده است، ولی از اواسط قرن بیستم تا کنون این تهدید جدی بوده، اگرچه در برابر آن واکنش مناسب داده نشده است. بدون شک تغییرات اقلیمی یکی از آثار آسیب به امنیت زیستی است که به دنبال خود کاهش شدید ظرفیت زیستی

را به همراه دارد. طی چند دهه گذشته به اشکال مختلف و در ابعاد متنوع، اکوسیستم طبیعی با آسیب‌های زیادی مواجه شده است. افزایش جمعیت و تأمین نیازهای این جمعیت از جنبه‌های مختلف موجب تشدید آسیب‌های زیست‌محیطی شده و امنیت زیستی جوامع بشری، به ویژه کشورهایی را که اکوسیستم طبیعی آنها آستانه شکنندگی بالایی دارد، به طور جدی تهدید کرده است. برآوردها نشان می‌دهد جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ حداقل از هفت و نیم میلیارد فعلی به ۹ میلیارد افزایش می‌یابد که بیش از ۷۰ درصد آن، جمعیت شهری خواهند بود. این جمعیت علاوه بر نیاز به مواد غذایی، نیازمند سایر امکانات بهداشتی و خدماتی برای برخورداری از استانداردهای لازم زندگی است. از طرف دیگر باید برای این جمعیت در درجه اول اشتغال ایجاد کرد. این ایجاد اشتغال در صورتی محقق می‌شود که رشد اقتصادی تداوم یابد. با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی، مهم‌ترین بخشی که از ظرفیت لازم برای ایجاد این رشد برخوردار است، بخش خدمات به ویژه حوزه گردشگری است. گردشگری در وضعیت فعلی نیز یکی از عوامل موثر در آسیب به اکوسیستم طبیعی است. به بیان دیگر در شرایط موجود، رشد اقتصادی کشورها منوط به آسیب به امنیت زیستی است که در حال حاضر با تهدید جدی مواجه می‌باشد. شاخص‌های مربوط به امنیت زیستی به مفهوم عام در دهه‌های گذشته به طور محسوس منفی شده است. از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری، آلودگی آب‌های زیرزمینی و سطحی، کاهش منابع آب شیرین، آلودگی هوا، گرمایش زمین، تشدید تخریب جنگل‌ها و زیست‌بوم‌های طبیعی و تغییرات اقلیمی و ده‌ها شاخص دیگر در حوزه امنیت زیستی که با آسیب جدی مواجه شده‌اند، حکایت از آن می‌کند که تعریف ما از مفهوم رفاه باید تغییر یابد. به طور معمول رشد اقتصادی که ناشی از تغییر تولید ناخالص ملی هر کشور است، یکی از معیارهای اصلی رفاه جوامع بشری محسوب می‌شود. این رشد به قیمت آسیب جدی به اکوسیستم طبیعی همراه بوده است. این، تناقض آشکار با مفهوم رفاه واقعی دارد. بدون شک ارتقاء شاخص‌های امنیت زیستی عامل موثری در برخورداری یک زندگی رضایت‌بخش توأم با رفاه است. امکان استفاده از زیست‌بوم‌های طبیعی، دسترسی به آب‌های غیرآلوده و بهداشتی و شیرین، برخورداری از هوای پاک و ده‌ها مواهب زیست‌محیطی، شاخص‌های بسیار موثری در ارتقاء کیفیت زندگی و سطح رفاه جوامع بشری محسوب می‌شود که تاکنون به دلیل سهولت دسترسی، از منافع آن‌ها غافل بوده‌ایم. باید بپذیریم با روندی که بر رفتار اقتصادی جوامع بشری حاکم است، مواهب زیست‌محیطی کمیاب شده است. بدون شک تعریف ما از رفاه باید تغییر کند و دستیابی به رشد اقتصادی به هر شکل ممکن را هدف دستیابی به توسعه اقتصادی تلقی نکنیم. اینکه رشد اقتصادی را چگونه بدست می‌آوریم، موضوع بسیار مهمی است. باید داشتن یکی زندگی شاداب برای مردم به عنوان شاخص اصلی رفاه، به شکل یک سیاست راهبردی در همه کشورها به طور جدی مورد توجه قرار گیرد که لازمه تحقق آن، برخورداری از امنیت زیستی است. بدون شک امنیت غذایی پایدار هم در آینده بدون داشتن امنیت زیستی ممکن نخواهد بود. کلام آخر آنکه هر گونه رشدی در کشورها از جمله رشد اقتصادی و رشد جمعیت باید در ذیل وجود و تضمین امنیت زیستی کشورها تعریف شود.